

یادداشت مجله

مقاله‌ای را که اینک از نظر خوانندگان میگذرانیم
ای-ران شناس عالیقدر آقای پروفیسور ه. رومر
Pr. H. Romer بخواهش مسا برای درج در مجله
فرستاده‌اند و ما با سپاسگزاری از لطف ایشان، متن
انگلیسی و ترجمه آنرا که آقای دکتر حسن جوادی
استادیار دانشکده ادبیات تهران بفارسی برگردانده‌اند
باعکس نامه آقای پروفیسور رومر برای استفاده محققان
درج میکنیم.

نرسی ای تازی

پرتال جامع علوم انسانی

فریبورگ ۲۵ تیر ۱۳۴۷

اداره محترم مجله بررسیهای تاریخی

مترجم باطلاع برساند چندی پیش از راه لطف از اینجانب خواسته بودید که مقالهای برای
آن مجله تهیه کنم. امید مقالهای با عنوان «ملاحظات درباره تحول تاریخ ایران» به پیوسته این نامه
تقدیم می‌کنم. این مقاله در سخنرانی است که در تاریخ جانب سابقاً در ۵ سپتامبر ۱۹۶۶ در گنسن کنگره
پنجمین ایران‌شناسان در تران ایراد کرده بودم و قرار بود که ضمن آن در مجله «تفصیل سخنرانی ای کنگره» به چاپ
رساند. ولی این کار اکنون صورت گرفته است. اگر هم چنین شده باشد منافاتی با چاپ آن در مجله شما
ندارد زیرا در ضمن مجله سخنرانی‌های کنگره به زبان انگلیسی خواهد بود و در مجله شما - چنانکه از نامش در می‌آید -
به زبان فارسی چاپ خواهد شد. بسیار بسیار متشکر خواهم شد از آن تصمیم حذر آگاهانه و زیاده

بالتعمیر احترامات شایسته.

۵۰۰ رص

Reusch

ملاحظاتى درباره تحول تاریخ ایران

قسمت بزرگى از مطالعات
ایران‌شناسى تحت عنوان تحقیقات
اسلامى قرار مى‌گیرد که در اواخر
قرن نوزدهم رشته خاصى گردید
و نتایج قابل توجهى از آن بدست
آمد که در اینجا احتیاجى بذکر
جزئیات آن نیست معذک باید گفت
که نخستین خاورشناسان به بعضى
مطالب و مسائل توجه نکردند و
مخصوصاً به تشکیلات اجتماعى و
وقایع ایران در ادوار اسلامى توجهى
که شایسته آنها بود مبذول نشد.
شاید یکى از بزرگترین کارهاى
مرحوم پروفیسور مینورسکى این
بود که بانشان دادن و تاکید ارزش
علمى این عوامل بکنه این مطلب
پرداخت او اینکار را هم از طریق
آثار بى نظیر خود که چون میراثى

نوشته : پروفیسور رومر

ترجمه : دکتر حسن جوادی

نابود نشدنی بهمارسیده است و هم از طریق تشویق و الهام بخشیدن بهند نسل محققان ایران شناس که او را راهنمای مسلم خود در این راه می دانستند انجام داد. بدین جهت در کتابی که بیاد او فراهم شده است بی مناسبت نیست اگر نگاهی بوضع فعلی مطالعات تاریخی ایران در ادوار اسلامی بکنیم و پیشنهادی درباره روش آینده آنها بنمائیم، زیرا که این تحقیقات هسته اصلی کار بی نظیر علمی او را تشکیل میدادند و ناشی از علاقمندی و خلوص بیحد او بودند و در کسانی که با او محشور بودند چنین احساسی بوجود می آوردند

هنگام برگزاری اولین کنفره بین المللی ایران شناسان در تهران (تابستان ۱۹۶۶) روشها و طرق اساسی فراهم آوردن يك تاريخ جامع ایران مورد بحث قرار گرفت. بنده افتخار داشتم که در آنجا سخن رانی ایراد و پیشنهاداتی بنمایم اینک همان پیشنهاداتی را با اندک تغییری در اینجای آورم.

در طی قرن بیستم علاقه زیادی نسبت بمطالعات ایران شناسی ابراز گردیده است و جهت اثبات این مطلب کافیت نظری به بعضی از آثار اساسی که اخیراً نشر شده است بیاندازیم برای مثال «مقدمه ای بتاریخ شرق مسلمان» اثر ژان سوواژه^۱ که دوباره توسط کلود کاهن^۲ تکمیل و تجدید چاپ شده است، یا مقدمه ای بر مطالعات اروپا و آسیای وسطی «اثر دنیس سینور^۳، یا «اسلام شناسی» از فلیکس ماریا پارجا^۴ که از ۱۹۵۱ به بعد چاپهای متعددی از آن طبع یافته است، و یا «فهرست اسلامی» ج د. پیرسون^۵ را می توان ذکر کرد. «فهرست مقالات چاپی فارسی» از ایرج افشار و «فهرست کتب چاپی فارسی» خانبا با مشار نشان میدهند که ایرانیان نیز در این امر مهم سهم بسزایی داشته اند

اگر درباره گسترش مطالعات ایران شناسی تحقیق کنیم بزودی بکتابی برخورداریم خورد بنام «اساس فقه اللغة ایران»^۶ که طی سالهای ۱۸۹۵-۱۹۰۴ توسط

1—Jean Sauvaget: Introduction à l'Histoire de l'Orient musulman.

2—Claude Cahen.

3—Denis Sinor: Introduction à l'étude de l'Eurasie Centrale.

4—Félix Maria Pareja: Islamologie.

5—J.D. Pearson: Index Islamicus.

6—Grundriss des Iranischen Philologie.

ویلهلم کایگر و ارنست کون^۷ و در اثر همکاری و تحقیق عده‌ای از شرق‌شناسان در استراسبورگ نشر یافت که تاکنون هم از شهرت و افتخار نام‌آنان چندان کاسته نشده است. این کتاب که سه بخش زبان‌شناسی تاریخی، ادبیات، تاریخ و فرهنگ تقسیم می‌شود شامل خلاصه‌ایست موجز و وافی از نتیجه حاصله از مطالعات مستشرقین قرن نوزدهم که طی کوششهای خستگی‌ناپذیر و بررسی‌های پرزحمت خود نظریات فوق‌العاده روشن بینانه‌ای بدست داده‌اند. در طی شصت سال گذشته این کتاب بی‌شک مبداء پژوهش و نقطه عطف برای بسیاری از آثار مربوط بفقہ اللغه ایرانی بوده است

گرچه امروزه هیچکدام از ما از مراجعه باین شاهکار تحقیق بی‌نیاز نیستیم، ولی باید گفت که اطلاعات ما را جامع بمطلب مزبور بنحوی قابل ملاحظه‌ای بیشتر شده است. اکتشافات باستان‌شناسی نظیر یافتن سنگ نبشته‌ها، سکه و اشیاء دیگر دامنه معلومات ما را در مورد فقہ اللغه ایران گسترش داده است. بسیاری از آثار گرانبها که فقط بصورت خطی وجود داشت بزور طبع آراسته شده و عده‌ای دیگر که گمان میرفت مفقود شده‌اند پیدا گشته‌اند. در ضمن مدت‌یست که تحقیق در مدارک تاریخی مورد توجه شده است. نه تنها از زمان کایگر و کون تعداد زیادی کتب لغت، دستور، متون مختلف، مقالات ادبی و مطالعات بخصوص زبان‌شناسی انتشار یافته است، بلکه کتب متعددی درباره ادوار تاریخی و ادبیات زبانهای ایرانی در دسترس علاقمندان قرار گرفته است.

وقتی ملاحظه میکنیم که «اساس فقہ اللغه ایران» چه نقش بزرگی در توسعه مطالعات ایرانی داشته، و تا حدی، فعلا هم دارد، بی‌مناسبت نیست اگر خواستار چاپ جدیدی از این کتاب بشویم. بوسیله تنظیم اطلاعات فعلی خود بر اساس روش و تقسیمات کایگر و کون و یا بطور کلی بر اساس یک طرح جدید، میتوانیم مبنایی وسیعتر و مناسبتر برای مطالعات خود بنانیم و در راه نویی گام برداریم. اگر اینکار انجام گیرد می‌توان از تجربیات و تحقیقات علمی که در یک رشته زبان‌شناسی که نزدیک بمطالعات ایران‌شناسی است و بعمل

7—Vilhelm Geiger, Ernst Kuhn.

آمده و منجر بانتشار اثر باارجی شده است استفاده کرد. منظور ما از این اثر تحقیقات ترك شناسان است که پس از تصمیم بیست و دومین کنگره بین المللی شرق-شناسان در استانبول بسال ۱۹۵۱، دایر بانتشار «اساس فقه اللغه ترکی»^۸، تا کنون دو جلد بزرگ انتشار داده اند که یکی از آنها بزبانهای و لهجه های ترکی و دیگری بادیات مردم ترك اختصاص داده شده است جلد سوم که طرح آن فراهم شده است درباره تاریخ ترك خواهد بود.

آیا وقت آن نرسیده است که چاپ جدیدی از کتاب گایگرو کون انتشار یابد و یا کتابی جامع تر از آن نوشته شود که شامل اطلاعات در این باره باشد؟

مسئله جواب مابین سؤال مثبت خواهد بود، زیرا چنین اثری کار ما محققین و نسل جوان را بمقدار قابل ملاحظه ای آسانتر خواهد کرد و بی شک تصور فراهم آوردن مجموعه اطلاعات راجع بایران در یک کتاب که به آسانی در دسترس باشد خیلی جالب است. ولی نباید فراموش کرد که سر و کار ما در اینجا بطراحی است که نه تنها احتیاج به پشتیبانی شایسته و قابل ملاحظه مالی دارد، بلکه لازمه اش همکاری طویل المدت ایران شناسان است. با در نظر آوردن این ملاحظات سؤال دیگری پیش می آید: آیا وسایل و امکانات محدودی که ما در دسترس داریم می توانند ما را بانجام چنین کار خطیری رهنمون باشند؟

بدین ترتیب جواب سؤال اول ما آنقدر هم که در آغاز بنظر میرسد، بدیهی و حتمی نیست. برای یافتن راه حلی باید ملاحظات عملی چندی را از نظر دور نداریم. قبل از هر چیز باید متوجه بود که وضعیت فعلی مطالعات ایران شناسی با موقعیت مطالعات ترکی در ۱۹۵۱ هنگام تشکیل کنگره احیر الذکر تفاوت کلی دارد. چون در این مختصر مجال شرح جزئیات این اختلاف نیست، بانتخاب و ذکر آنچه بنظر ما حقایق اساسی می آید قناعت خواهیم کرد.

مهمترین موضوع اینکه از هنگام انتشار «اساس فقه اللغه ایران»

آثاری نوشته شده است که از بعضی جهات بر آن برتری دارند. برای مثال میتوان چهار جلد «تاریخ ادبی ایران»^۹، پروفیسور براون را ذکر کرد که در خود ایران نیز علاقه زیادی نسبت بدان اظهار شده و البته لایق چنان محبوبیتی هم می باشد. این اثر بقدری ارزنده و اصیل است که حتی «تاریخ ادبیات ایرانی» یان ریپکا^{۱۰} با وجود اهمیت زیادش، نتوانسته کاملاً جانشین آن شود. مطالعات ایرانی جایی در «راهنمای شرق شناسی» که برتولد اسپولر^{۱۱} مجدداً سعی در اتمام آن دارد، پیدا کرده است. تاریخ ایرانی که در کیمبریج^{۱۲} تهیه میشود. امید است وسیله مفیدی برای محققان گردد. و نباید ناگفته بگذاریم که چاپ جدید «دایرةالمعارف اسلام» منبع سرشاری برای موضوعات ایرانی بشمار میرود و همچنین «لغت نامهٔ دهخدا» که بیش از پیش مآخذ پر حاصلی میگردد هر چند این طرحی است مختصر ولی خصوصیات بارز مطالعات ایرانی را بکسی که میخواهد چاپ جدیدی از «اساس فقه اللغه» بکند نشان میدهد. بهر حال حقایق چندی که شمرده شد نشان میدهد که چقدر لازمست در آغاز کار قبل از اینکه قوای معنوی و مالی خود را برای انجام چنین امر خطیری بکار اندازیم، هدف و برنامه خود را دقیقاً معین کنیم مگر اینکه بامکان تکرار تحقیق خود توسط یک نفر دیگر و یا کسان دیگر اهمیتی ندهیم.

اگر باین حقیقت انکار ناپذیر توجه کنیم که تعداد زیادی از تحقیقات اساسی هنوز تکمیل نشده است، خودداری ما دایر بدر آوردن احتمالی چاپ جدیدی از «اساس فقه اللغه» بیشتر می گردد. در اینجا اجازه می خواهم تا بطور اختصار چند نکته را که بنظر من مهم می آیند مورد بحث قرار دهم، البته نباید منکر شد که موضوعات دیگری نیز هستند که در صورت بوجود آوردن طرحی برای تحقیق باید در آن گنجانیده شوند.

در حالیکه کتیبه های قبل از اسلام ایران مدتها مورد توجه بوده و حتی

9—E.G. Browene: A Litrary History of Persia

10—Jan Rypka: History of Iranian Literature.

11—Bertold Spuler: Handbuch der Orientalistik.

12—Cambridge History of Iran.

مجموعه ای از آنها را در یکجا بنام «مجموعه سنگ نبشته های ایرانی ۱۳» از ۱۹۵۵ شروع با انتشار کرده اند و چند جزوه آن نیز درآمده است، نسبت به کتیبه های دوره اسلامی چنین توجهی نشده است. در مجموعه سنگ نبشته های عربی^{۱۴} که بر اثر مساعی و همت ما کس فان برخیم^{۱۵} نشر شده است، بعضی از کتیبه های ایرانی بر حسب ادوار تاریخی^{۱۶} چاپ شده است که جلد شانزدهم آن اخیراً درآمده و تا اواسط قرن هشتم هجری میرسد. جمع آوری و چاپ کتیبه های فارسی امریست بغایت ضروری و لازم. بسیاری از آنها اینجا و آنجا چاپ شده ولی اغلب آنها هنوز در دسترس نیست. بدین جهت جمع آوری آنهاست که در دسترس است و تدوین آنها بر حسب ادوار تاریخی تنها کافی نیست، بلکه باید مواد چاپ نشده را نیز جمع آوری و آماده نشر ساخت. برای اینکار ما باید بهمکاران ایرانی خود و یا مستشرقینی که در ایران زندگی می کنند متوسل شویم.

موضوع دیگری که کمتر از کتیبه ها نیست و مربوط بمطالعات تاریخی می باشد، جمع آوری اسناد تاریخی می باشد و باید مورد توجه قرار گیرد. محققین مدت مدیدی از وجود این مدارک بی خبر بودند و یادرتاریخ نویسی ارزشی برای آنها قایل نبودند، ولی اکنون مدتی است که مدارک فارسی مورد توجه شدید تاریخ نویسان واقع شده است و تدریجاً ارزشی برای آنها قائل می شوند که اگر برابر ارزش مدارک غربی برای تاریخ غرب نباشد لااقل نظیر آن می تواند باشد. اما آنچه تاکنون جسایش خالی بود آرشیه های ملی ایرانی» بود که ممکن است بمنوان منابع اصلی اساس کار مطالعات علمی قرار گیرد. خوشبختانه کتابخانه پهلوی جمع آوری مدارک و اسناد ملی را از جمله وظایف خود قرار داده است و باید اقدام بچنین امر خطیری را تبریک گفت که نتیجه مستقیم آن فراهم کردن نقطه اتکاء و یا اساس کار برای تحقیقات تاریخی ایران می باشد.

13—Corpus Inscriptionum Iranicarum

14—Corpus Inscriptionum Arabicarum

15—Max Van Berchem

16—Répertoire Chronologique de l'Epigraphie Arabe.

بعقیده ما در حالیکه این آرشیوها از متدهای مؤسسات مشابه در اروپا تقلید می‌کنند، روش کار آنها نباید تقلید صرف باشد. خواه خوشمان بیاید خواه نیاید، باید قبول کنیم که تعداد مدارک تاریخی در مورد اکثر ادوار اسلامی تاریخ ایران بسیار محدود است و در مورد ادوار دیگر نیز این کم بود بعدی است که می‌توان گفت در واقع چیزی وجود ندارد. مسلم است که اولین وظیفه چنین آرشیوهای ملی فهرست کردن و صورت برداری از تمام مدارکی است که می‌توانند جمع کنند. اینکار را می‌توان با مجموعه اسناد دولتی که در اینجا و آنجا وجود دارد شروع کرد، اشخاص، خانواده‌ها، مؤسسات خصوصی یا ملی که اسناد منفرد و یا مجموعه‌ای از آنها را در تصرف دارند مسلماً تسلیم آنها را به آرشیوهای ملی خدمت و افتخاری خواهند شمرد، زیرا که می‌دانند بخوبی از آنها حفاظت شده و باروشی صحیح ارزیابی خواهند شد و در بعضی موارد امکان خرید آنها نیز پیش می‌آید.

با وجود بکار بستن این روشها و طرق دیگر جهت بدست آوردن مدارک اصلی، تعداد آنها محدود خواهد بود و آرشیوهای ملی ایران نباید به اینها قناعت کند. برای افزودن به این مجموعه‌ها باید عکس اسناد و مدارکی را که در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و آرشیوهای ممالک همجوار و دیگر کشورهای جهان وجود دارد تهیه کرد.

ولی کار آرشیوهای مرکزی نباید منحصر به جمع آوری اسناد اصلی و مهم و یا تهیه عکس از آنها باشد، نسخه اسنادی که در منشآت و کتب تاریخ و آثار دیگر وجود دارد باید استخراج و جمع آوری گردد. البته اهمیت این اسناد با اندازه اصل نیست، ولی اگر اصل در دسترس نباشد می‌توان از آنها استفاده کرد.

البته ما در اینجا بشریح طرحی می‌پردازیم که لزومی ندارد جزو وظایف آرشیوها باشد. هر چند که آنها می‌توانند در این مورد کمک و همکاری ذی‌قیمتی بنمایند، ولی اینکار باید توسط محققین در سراسر دنیا انجام گیرد.

می‌توان اینکار را بطرق زیر انجام داد:

- ۱- تهیه و تدوین فهرستی برای تمام مدارك مهم مطابق نمونه ای که د کتر هریرت بوس (۱۷) در آخر رساله خود درباره اسناد رسمی دوره تر کمانان و صفویه بمقیاس کوچکی فراهم کرده است .
 - ۲- فراهم آوردن فهرست تمام مدارك اصلی ، بدون در نظر گرفتن مالک و محل نگاهداری آن .
 - ۳- انتشار مدارك فارسی که باید مطابق طرحی دقیق و با در نظر گرفتن اصول مطالعه و کشف فرامین و اسناد قدیم انجام گیرد و شرح مفصلی از سند همراه عکس روشن و خوانایی از آن داده شود . در بعضی موارد دادن ترجمه ای از آن بیک زبان خارجی همراه با حواشی تاریخی و سیاسی نیز لازمست .
 - ۴- انتشار کتب منشآت که تا کنون نشر نشده است . در عرض بیست سال گذشته تا حدی در این زمینه پیشرفت حاصل شده است .
 - ۵ - طبقه و دسته بندی متون اسنادی که در مجموعه منشآت است . برای اینکار باید از روشی که د کتر هریرت هورست (۱۸) در کتاب خود درباره اسناد دوره سلجوقی و د کتر عبدالحسین نوایی در مورد اسناد دوره تیموری و صفوی بکار برده است استفاده کرد .
 - ۶- استخراج و گروه بندی اسنادی که متون آنها در وقایع نامه ها و کتب دیگر محفوظ است .
- بنظر ما اینها اولین قدمهایی است که میتوان در مورد جمع آوری و انتشار اسناد منشآت برداشت نظر باینکه مقدار زیادی کتب ، مقالات مفصل تحقیقی و متون مختلف ، مخصوصاً از جنگ گذشته باین طرف انتشار یافته است برای محققانی که میخواهد فرامین و اسناد فارسی را مطالعه و نکات مبهم آنها را کشف نماید مقدمات و وسایلی آماده است که میتوان از آنها استفاده کند بعقیده ما این نوع تحقیق کاریست باارج که میتواند نتایج سودمندی داشته باشد و اطلاعات ما را در مورد ادوار اسلامی ایران تکمیل کند اگر مسئولان کتابخانه پهلوی بخواهند میتوانند ، آرشیوهای آن را مرکز این نوع مطالعات بنمایند و این

17—Dr. Heribert Busse

18—Dr. Heribert Hors

مطلبی است که تاکنون توجه بعضی از دانش پژوهان ایرانی و خارجی را جلب کرده است. اگر دولت باین مطلب صحنه بگذارد دیری نخواهد گذشت که عده این محققان زیاد خواهد شد.

شاید طولی نخواهد کشید که با انتشار کتبی نظیر علم قرائت متون قدیم و راهنمای خواندن اسناد و فرامین فارسی، که هر دو نه تنها برای خواندن اسناد بلکه بطور کلی برای مطالعات تاریخی لازمست، انتظار ما بسر خواهد رسید و این در تأیید عقیده قطب بزرگ مطالعات ایرانی، مرحوم پرفسور مینورسکی است که گفته است تاریخ نویسی شرقی بعد از این باید دارای تمام خواسته‌ها و خصوصیات تاریخ نویسی غربی باشد - یعنی اسناد از اسناد تاریخی باید در درجه اول و پیش‌تر از استفاده از روایات تاریخی باشد

منظور ما در کتب تاریخی نیست، بلکه تأسف ما از اینست که اسناد تاریخی فراموش شده اند. شکی نیست که روایات و اسناد لازم و ملزوم یکدیگرند و این نکته را انتشار یک سری بزرگ منابع تحت عنوان آثار تاریخی، (۱۹) که بوضوح سند و روایت را در یکجا جمع آورده است ثابت می‌کند. باری بایست که کشیدن این نکته به مطلبی میرسیم که شرح آن از این مقاله بیرون است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی